

ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی با تأکید بر «مهاجران افغانی در ایران»

محمد احمدی موجد^۱

چکیده

سالیان درازی است که مهاجران خارجی، بویژه مهاجران افغانی، در جای جای کشورمان سکونت دارند. هیچ استانی نیست که ساکنان آن با این مهاجران برخورد نداشته باشند و میان آنها مراوداتی صورت نگیرد، این روابط در بعضی جنبه ها آن چنان عمیق بوده که حتی در صورت بازگشت مهاجران به کشورشان، باز هم تا سالیان دراز اثراتی که از خود بجای گذاشته‌اند از بین نخواهد رفت. از جمله ارتباطات عمیق ایجاد شده، می توان به ازدواج تعدادی از ایرانیان (بویژه زنان ایرانی) با مهاجران اشاره نمود. بنابراین مسئله مهاجران خارجی مانند مسائل مهم دیگری که کشورمان با آن مواجه است از اهمیت خاصی برخوردار است که بایستی به این موضوع و مسائل آنان نیز، موشکافانه و دقیق پرداخته شود.

هدف اصلی این نوشتار بررسی «ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی با تأکید بر مهاجران افغانی در ایران» می باشد تا بدین وسیله نسبت به این خیل عظیم از مهاجران خارجی شناخت پیدا نموده و تا حد امکان بتوان، به جنبه های مختلف تاثیر حضور آنان دست یافت.

این مقاله با استفاده از اطلاعات اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور که در طرح شناسایی سال ۱۳۸۰ جمع آوری نموده، تهیه شده است.

واژگان کلیدی

مهاجران افغانی، بعد خانوار مهاجران خارجی، نوع مذهب مهاجران خارجی، نوع

قومیت مهاجران خارجی

مقدمه

افغانستان، کشوری که سالها عرصه رقابت قدرتهای مختلف بوده است به دنبال دخالتهای جهانی و تحت تأثیر اوضاع داخلی این کشور، پدیده مهاجرت مردم به خارج از کشور بصورت بسیار حادّی رخ داد.

از سال ۱۳۵۲ به بعد به دنبال کودتای سردار محمد داوود علیه ظاهرشاه و متعاقب آن کودتای نورمحمدترکی رهبر حزب خلق علیه داوود در سال ۱۳۵۷، ایران یکی از کشورهای پذیرای مهاجران افغانی گردید. این مهاجران، بسرعت وارد ایران شده و در مناطق مختلف روستایی و شهری سکونت گزیده و با جمعیت ایرانی در این مناطق مراودات گوناگون اقتصادی برقرار نمودند.

در ابتدا تصور می‌شد که دوران اقامت آنان در ایران کوتاه باشد، لیکن به جهت استمرار نابسامانیهای سیاسی و رکود و توقف رشد اقتصادی در آن کشور، مهاجران در ایران ماندگار شدند و طولانی شدن مدت اقامت آنان موجب گسترده‌گی مراودات بین مهاجران و جمعیت ایرانی گردید.

تعداد مهاجرین افغانی در بعضی سالها به بیش از ۲/۸ میلیون نفر رسید (نظری تاج آبادی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۴). علیرغم این وضع، سرشماریهای کشور نه تنها بخش اندکی از آنان را مورد سرشماری قرار داد، بلکه حتی برای این افراد نیز ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی را منتشر ننمود. از اینرو شناخت خصوصیات جمعیتی و ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی آنان و به همان ترتیب تعلقات قومی، مذهبی و سیاسی آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. این مقاله می‌خواهد با توجه به اطلاعات جمع آوری شده، در سال ۱۳۸۰، تا آنجا که مقدور است ویژگیهای فوق را مورد بحث و بررسی قرار دهد و اطلاعات نسبتاً جامعی درباره آنها بدست آورد.

ضرورت و اهمیت موضوع

سالیان درازی است که مهاجران افغانی در ایران اقامت دارند و درطول این سالیان با جمعیت بومی مراودات زیادی داشته‌اند و بر ابعاد مختلف جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشورمان بی تأثیر نبوده‌اند. علیرغم این حجم عظیم از مهاجرین و پیامدهایی که دنبال داشته‌اند، متأسفانه آن طور که شایسته است تحقیقات و بررسیهایی در جهت شناخت آنها از جانب دست اندرکاران و بویژه جمعیت شناسان صورت نگرفته است.

در این میان دست اندرکاران و مسئولان امر، به مسئله مهاجرت افغانیها به عنوان یک موضوع گذرا نگریده‌اند، حال آنکه بایستی تحقیقات وسیعی برای روشن شدن سئوالات و ابهاماتی از قبیل چگونگی روابط اقتصادی، اجتماعی و حتی روابط فامیلی با جمعیت بومی صورت گیرد، زیرا به چند دلیل پدیده مهاجرت افغانیها موضوعی شایان بررسی و تحقیق است نه یک مسأله جنبی و گذرا:

اولاً: کشور ایران بر حسب وظیفه اسلامی نسبت به پذیرش مهاجرین با خوشروئی اقدام نموده و بنا به مقتضیات زمانی، این همکاری را ادامه خواهد داد. پس مقطع زمانی معین برای خاتمه موضوع مهاجرت قابل پیش بینی نیست.

ثانیا: دارا بودن بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان (علی آبادی، ۱۳۷۵ ص ۳) ایجاب می کند نسبت به هر اتفاقی که در مرزهای مشترک دو کشور واقع می شود بی تفاوت نباشیم.

ثالثا: تنظیم روابط صحیح و منطقی و وجهه نظر واقع بینانه بین مهاجرین و بومیان اقتضا می کند با انجام تحقیق علمی، مرز واقعیات و تصورات روشن شود و قضاوت‌های صحیح جایگزین پیشداوریها گردد.

بنابراین با بررسی این موضوع می توان نسبت به این جمعیت مهاجر شناخت پیدا کرد و برنامه ریزیهای دقیق و موشکافانه ای را تدوین و ارائه نمود.

هدف تحقیق

با توجه به ضرورتهایی که در قسمت قبل ذکر آن رفت، تحقیق حاضر بر آن است که به سهم خود و بسته به توان محقق و مقدرات علمی و اجرایی، به گوشه ای از مسائل و ابهامات موجود در زمینه ویژگیهای متفاوت جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی و چگونگی روابط اقتصادی، اجتماعی مهاجران خارجی با جمعیت بومی پاسخ مبتنی بر واقعیت بدهد و از این راه، زمینه مناسب تری را برای برنامه ریزی مناسب و کارشناسانه ایجاد نماید.

نگاهی گذرا به اوضاع جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی افغانستان در این قسمت، ابتدا به بررسی اوضاع جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان و سپس در قسمت دوم به بررسی روند تحولات تاریخی افغانستان پرداخته می شود.

الف (جغرافیای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی کشور افغانستان:

۱. جغرافیای طبیعی افغانستان

افغانستان سرزمین کوهستانی و محصور در خشکی است. این سرزمین در نیمکره شمالی و نیمکره شرقی در محدوده آسیای میانه واقع است. جمعیت آن در سال ۱۹۹۵ برابر با نوزده میلیون و ششصد و شصت و سه هزار نفر (ده میلیون و نود و یک هزار نفر مرد و نه میلیون و پانصد و هفتاد و دو هزار نفر زن) بوده است (U.N. ; v. 1; p. 72). مساحت آن ۶۴۹/۰۰۰ کیلومتر مربع و طول مرزهایش حدود ۵۸۰۰ کیلومتر مربع است. از سمت شمال با جمهوریهای تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان هم مرز است. طول مرز شمالی با این جمهوریها، حدود ۲۲۸۴ کیلومتر است. از سمت شرق و جنوب با پاکستان از سمت شمال شرقی از طریق تنگه واخان با چین (ایالت سین کیانگ) هم مرز است. مساحت این مرز در منابع متفاوت ذکر شده است و آن را بین ۷۳ تا ۹۳ کیلومتر نقل کرده‌اند. از طرف مغرب با جمهوری اسلامی ایران مرتبط است. این مرز قریب به ۹۰۰ کیلومتر است.

افغانستان با آبهای آزاد فاصله زیادی دارد. نزدیکترین نقطه آن با آبهای آزاد، از طریق پاکستان است که ۵۰۰ کیلومتر فاصله دارد (علی آبادی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۴).

۲. ساختار اجتماعی و قبیله‌ای افغانستان

گروهی از محققان، افغانستان را موزه ای از نژادها و ملل گوناگون می‌دانند. در این موزه بزرگ ساکنان اولیه در کنار تازها و اردان سکونت دارند، سکنه فعلی در این کشور، بازماندگان دو نژاد عمده هستند که به قرار زیرند:

۱- نژاد سفید شامل: پشتوها، تاجیکها، هزاره‌ها، نورستانیها و....

۲- نژاد زرد شامل: ازبکها، ترکمنها، قرقیزها، مغولها و....

از جمله اقوام مهم افغانستان؛ پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، قرقیز،

قرزلباش، فارس، هراتی، براهویی و قزاق هستند (همان، ص ۱۳).

در جدول (۱) اقوام مهم افغانستان، نوع زبان و مذهب آنها آمده است.

جدول ۱- قومیت‌ها و نوع زبان و مذهب کشور افغانستان

قومیت	زبان	مذهب
تاجیک	فارسی دری	شیعه و سنی
پشتوها	پشتو	سنی
بلوچ	بلوچی	سنی
هزاره	فارسی	شیعه
ایماق	فارسی و دری	سنی
ازبک	ترکی - فارسی	سنی
ترکمن	ترکی	سنی و شیعه

منبع: ظریف فیروز عسگری، ۱۳۶۷، ص ۶۲۵ تا ۶۵۶

اوضاع اقتصادی افغانستان

افغانستان از جهت منابع غذایی کشوری خودکفاست. این کشور اگرچه فقیر است اما جزء کشورهای گرسنه جهان نیست. در این کشور، از هر ده نفر شاغل، هشت نفر به کشاورزی اشتغال دارند. بخش اعظم جمعیت این کشور در بخش کشاورزی و یا فعالیت‌هایی که با کشاورزی مربوط است به کار مشغول هستند.

گندم با تولید سالانه سه میلیون تن (در ۲۶ درصد زمینهای قابل کشت) زراعت اصلی کشاورزان افغانی است. محصولاتی که در این کشور جنبه صادراتی دارند عبارتند از: انگور (کشمش) و پنبه. در افغانستان-آنگونه که در اغلب کشورهای جهان سوم دیده می‌شود، سیستم تک محصولی که نوسان آن به جریانات بین‌المللی و سفارشات خارجی بستگی داشته باشد، وجود ندارد. بخش عظیمی از تولیدات کشاورزی در داخل کشور به مصرف می‌رسد (همان، ص ۹۵).

علاوه بر آن اطراف منطقه جلال آباد به لحاظ کشت خشخاش، شناخته شده است. هیرمند که منطقه اصلی دیگر کشت خشخاش است، تامین کننده یک چهارم خشخاش جهان است (مارسدن، ۱۳۷۹، ص ۱۰).

دامداری در زندگی ایلات و عشایر افغانی نقش مهمی ایفاء می‌کند. افغانستان از حیث دامپروری خاصه گوسفندداری در جهان مقام مهمی را داراست و به جهت داشتن گوسفند نژاد

قره گل که از پوست آنها، پوست معروف به آسترخان بدست می‌آید شهرت دارد (علی آبادی، ۱۳۷۵، ص ۹۶).

ب) تحولات تاریخی افغانستان

در باب چگونگی وحدت یا جدایی ایران از افغانستان در گذشته، همچنین به تاریخچه تشکیل دولتهای مستقل در افغانستان و تحولات صورت گرفته در این کشور احوال و نوشته‌های زیادی وجود دارد. ذیلاً بطورمختصر به ذکر تحولات صورت گرفته در تاریخ افغانستان پرداخته می‌شود.

تحولات افغانستان در قرن بیستم

تاریخ جدید افغانستان پس از فراز و نشیبهای فراوان در طول تاریخ در قرن بیستم با به قدرت رسیدن امیر حبیب الله در سال ۱۹۰۱ آغاز می‌شود. اولین انتخابات در سپتامبر سال ۱۹۶۲ برگزار شد و از این زمان تا ژانویه ۱۹۷۳ داوود خان قدرت را به دست گرفت و سرانجام با کودتای ۲۸ آوریل ۱۹۷۸ توسط ارتش، داود به همراه تمام اعضای خانواده‌اش قتل عام شد (همان. گزیده صفحات ۱۶۸-۱۲۳). در شب ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ شوروی حمله گسترده خود را به افغانستان آغاز کرد (بریگو، روا، ۱۳۶۷). مشخصه اصلی افغانستان پس از حمله شوروی، وجود نابسامانی در کشور بود. از سال ۱۳۷۲ و بخصوص سال ۱۳۷۳ مواضع گروههای موجود تغییر یافت و دسته بندیهای جدیدی شکل گرفت و جنگ و درگیری در ابعاد وسیع‌تر ادامه یافت (علی آبادی، ۱۳۷۵، گزیده صفحات ۱۸۹-۱۶۸).

سرانجام در سال ۱۳۸۱ با روی کار آمدن دولت انتقالی حامد کرزای امنیت نسبی به این کشور باز گشته است.

علل گرایش مهاجرین افغانی به پاکستان و ایران

در خصوص اینکه چرا مهاجرین افغانی به ایران و نیز پاکستان مهاجرت کردند و به جاهای دیگر کمتر رفتند دلایل بسیاری را می‌توان برشمرد که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- مرزهای طولانی این دو کشور با افغانستان.
- ۲- اشتراکات مذهبی و دینی بین مردم این دو کشور با مردم افغانستان.

۳- مخالفت هر دوی این کشورها با استقرار نظام کمونیستی در افغانستان و پشتیبانی از مجاهدین افغانی و نهضت مقاومت.

۴- نزدیکی فرهنگی و زبانی بین گروههای مهاجر با این دو کشور که روابط فرهنگی را تسهیل می‌نماید.

۵- نزدیکی این کشورها به موطن مهاجرین و امکان بازگشت سریع به وطن در صورت مساعد شدن شرایط.

آن دسته از مهاجران که به ایران آمده‌اند غالباً یک مشخصه مهم دارند و آن، فارسی زبان بودن آنهاست. تقریباً اکثر کسانی که به ایران مهاجرت کرده‌اند از مناطق فارسی زبان هستند و بندرت از مناطق پشتون که زبان فارسی نمی‌دانند به ایران آمده‌اند. در بین مهاجرین افغانی که به ایران آمده‌اند، بیشتر آنها در نوار مرزی ایران با افغانستان و در استانهای خراسان و سیستان و بلوچستان ساکن گردیده‌اند.

گروه‌های مذهبی با گرایش تسنن در استان سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان و استانهای جنوبی ایران مانند بوشهر و هرمزگان پراکنده شده‌اند و شیعیان در مناطق شمالی خراسان، تهران، قم و دیگر مناطق پراکنده اند.

در پایان این قسمت باید یاد آور شد آنچه در مورد مهاجرین افغانی قابل بیان است، این است که علت مهاجرت آنها به کشورهای دیگر نه جاذبه مقصد بلکه دافعه موطن بوده است، در مورد علل بازگشت آنها نیز شرایط موطن اصلی آنها بیشتر از هر عامل دیگر تأثیرگذار می‌باشد. همانطور که در طول سالهای ۷۲-۱۳۷۰ با آرام شدن اوضاع، چندین میلیون نفر به کشور خود بازگشتند، اما با گسترش درگیریها و ناامنی دوباره در افغانستان سیر بازگشت مهاجرین متوقف شد (جمشیدیها، ۱۳۷۹، ص ۶۵-۶۴).

یافته های تحقیق

قبل از وارد شدن به این قسمت، لازم است به نکته مهمی اشاره شود. اداره کل اتباع و امور مهاجران خارجی، داده‌ها را بطور کلی برای مهاجران خارجی استخراج نموده و مهاجران افغانی و سایر مهاجران خارجی را تفکیک ننموده است. به ناچار شاخصهای پردازش شده، اشاره به مهاجران خارجی دارد و نه مهاجران افغانی، ولی به هر حال تأکید این مقاله بر «مهاجران افغانی» می‌باشد که بیشترین مهاجر خارجی را در ایران تشکیل می‌دهند. طبق اعلام اداره کل اتباع و مهاجران خارجی حدود دو میلیون و سیصد هزار مهاجر پرسشگری

شده افغانی (از دو میلیون و پانصد و شصت هزار نفر که کل مهاجران خارجی در ایران را تشکیل می‌دهند) یعنی بیش از ۹۰ درصد از مهاجران خارجی را در ایران، مهاجران افغانی تشکیل می‌دهند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۱/۳/۲۹).

در این قسمت به توصیف جداول پردازش شده از مهاجران پرداخته می‌شود که شامل ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

الف - ویژگیهای جمعیتی اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی.

ویژگیهای جمعیتی

- توزیع جمعیت مهاجران خارجی

کشورهای ایران و پاکستان به دلیل پناه دادن به مهاجران افغانی از کشورهای عمده مهاجرپذیر محسوب می‌شوند. گر چه تعداد پناهندگان در این دو کشور دائماً در نوسان بوده و شمار آنان بر حسب شرایط داخلی و درگیریهای نظامی در افغانستان همواره تغییر می‌کرده است، نمی‌توان آمار و اطلاعات دقیقی از آنان به دست داد. با این همه شمار آنان در اسناد بین المللی به شرح ذیل بوده است: (زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۴۸).

جدول ۲- آمار مهاجرین افغانی در ایران و پاکستان طی سال های مختلف (ارقام به هزار نفر)

۱۹۹۳	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۵	۱۹۸۰	
۲۹۰۰/۷	۳۰۰۰	۲۳۵۰	۱۸۰۰	-	ایران
۱۶۲۷	۳۱۸۵/۳	۳۲۷۲	۲۵۰۰	۴۰۰	پاکستان

به رغم این آمار و ارقام، تعداد مهاجران خارجی در ایران تا سال ۱۳۵۵ اندک بود و در هیچیک از سرشماریهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به بیش از ۰/۵ درصد جمعیت نرسید (همان، ص ۵).

جدول ۳- تعداد خارجیان در ایران از ورای داده های سرشماری

سال	متولدین خارج از کشور	نسبت به کل جمعیت)
۱۳۳۵	۴۴۷۶۹	۰/۲۴
۱۳۴۵	۵۷۱۱۵	۰/۲۲
۱۳۵۵	۱۷۸۹۱۱	۰/۵۳
۱۳۶۵	۸۵۲۵۰۷	۱/۷۲
۱۳۷۰	۹۰۶۹۸۸	۱/۶۲
۱۳۷۵	*۱۰۰۴۷۷۶	۱/۶۷

* خارجیانی که تابعیت آنها مشخص است

بر اساس جدول (۴)، در سال ۱۳۸۰ از تعداد کل مهاجران خارجی در ایران ۲۵۶۷۷۰۹ نفر شمارش شده است که حدود دو میلیون و سیصد هزار نفر (حدود ۹۰ درصد) آن را مهاجران افغانی تشکیل می دهند، ۱۵۶۸۵۷۰ نفر (۶۱ درصد) از مهاجران خارجی را مردان و ۹۹۶۶۹۵ نفر (۳۹ درصد) آنان را زنان تشکیل داده اند. بیشترین تعداد مهاجرین خارجی در استان تهران قرار داشته، که با ۸۱۱۶۹۵ نفر (۳۱/۶۱ درصد) حدود یک سوم مهاجرین خارجی را تشکیل می داده است، که پس از استان تهران، استانهای سیستان و بلوچستان، خراسان و اصفهان به ترتیب با ۳۷۶۶۵۲ (۱۴/۶۷ درصد)، ۲۵۲۷۰۴ (۹/۸۴ درصد) و ۲۴۷۰۴۰ نفر (۹/۶۲ درصد) در مراتب بعدی قرار داشته اند، در حالیکه استان اردبیل با ۱۹۹ نفر (۰/۰۱ درصد) کمترین تعداد مهاجر خارجی را داشته است و پس از آن، استانهای زنجان و چهارمحال و بختیاری به ترتیب با ۶۶۱ (۰/۰۳ درصد) و ۹۷۸ نفر (۰/۰۴ درصد) در مراتب بعدی کمترینها قرار داشته اند، همانطوریکه قبلا گفته شد، اکثر این مهاجران را، مهاجران افغانی تشکیل می دهند.

جدول ۴- توزیع جمعیت مهاجران خارجی به تفکیک جنس و استان (سال ۱۳۸۰)

استان	جنس		جمعیت
	زن	مرد	
آذربایجان شرقی	۶۷۲	۱۱۶۲	۱۸۳۵
آذربایجان غربی	۶۱۲۲	۷۶۰۲	۱۳۷۲۷
اردبیل	۹۳	۱۰۶	۱۹۹
اصفهان	۸۹۱۷۳	۱۵۷۸۶۷	۲۴۷۰۴۰
ایلام	۳۷۹۰	۲۱۶۸	۷۹۵۸
بوشهر	۴۷۴۲	۱۲۴۰۷	۱۷۱۴۹
تهران	۲۸۵۸۹۵	۵۲۵۷۹۸	۸۱۱۶۹۵
چهارمحال و بختیاری	۳۹۱	۵۸۷	۹۷۸
خراسان	۱۱۷۵۵۴	۱۳۵۱۵۰	۲۵۲۷۰۴
خوزستان	۳۴۹۲۷	۴۷۰۶۶	۸۲۷۹۶
زنجان	۳۰۴	۳۵۷	۶۶۱
سمنان	۱۳۷۹۳	۲۷۹۶۲	۴۱۷۵۶
سیستان و بلوچستان	۱۶۷۶۹۶	۲۰۸۹۵۵	۳۷۶۶۵۲
فارس	۵۲۲۸۶	۱۰۵۶۵۹	۱۵۷۹۴۵
قزوین	۱۲۲۵۷	۲۵۸۰۶	۳۸۰۶۳
قم	۵۶۰۲۶	۶۹۴۳۵	۱۲۵۴۶۱
کرمانستان	۳۱۱۴	۳۱۷۲	۶۲۸۶
کرمان	۵۳۱۷۱	۸۶۸۸۸	۱۴۰۰۵۹
کرمانشاه	۵۲۰۲	۷۱۹۹	۱۲۴۰۱
کهگیلویه	۸۹۳	۱۶۲۷	۲۵۲۰
گلستان	۱۶۳۲۷	۱۸۷۳۰	۳۵۰۵۷
گیلان	۹۹۲	۲۵۹۹	۳۵۹۱
لرستان	۱۶۳۷	۲۰۸۱	۳۷۰۸
مازندران	۲۶۸۸	۱۰۷۹۳	۱۵۴۸۲
مرکزی	۱۸۷۵۳	۲۹۳۵۳	۴۸۱۰۶
هرمزگان	۲۰۲۸۰	۳۵۸۰۴	۵۶۰۸۴
همدان	۱۸۶۱	۲۲۹۷	۴۱۵۸
یزد	۲۴۴۳۸	۳۸۹۹۸	۶۳۴۳۶
کشور	۹۹۴۹۵	۱۵۶۸۵۷۰	۲۵۶۷۷۰۹

نسبت جمعیت مهاجران خارجی و بویژه مهاجران افغانی به جمعیت ایران در طول سالهای مختلف در نوسان بوده است، بطوریکه در سرشماریهای سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ این نسبت به ترتیب برابر ۱/۵ و ۱/۴ بوده است، در حالیکه این نسبت در سال ۱۳۸۰ افزایش چشمگیری داشته و به ۲/۵ درصد رسیده است.

توزیع نسبی مهاجران خارجی به تفکیک گروههای سنی

بر اساس آمارهای اخذ شده، بیشترین مهاجر خارجی در گروه سنی ۴-۰ ساله با ۱۵ درصد و پس از آن گروه سنی ۹-۵ ساله با ۱۴/۷۰ درصد در مرتبه بعدی قرار داشته‌اند و کمترین مهاجر خارجی نیز در گروه سنی ۵-۰ با ۱/۵ درصد قرار گرفته‌بودند. اگر جمعیت مهاجران خارجی را بر حسب گروههای سنی سه گانه در نظر بگیریم، گروه سنی ۱۴-۰ ساله برابر ۴۱/۵، گروه سنی ۵۹-۱۵ ساله برابر ۵۶/۵ و گروه سنی بالای ۶۰ سال حدود ۲ درصد جمعیت را بخود اختصاص داده‌اند.

با توجه به اینکه ۴۱/۵ درصد از کل جمعیت مهاجران در گروه سنی ۱۴-۰ قرار داشته و نسبت جوانی آنها بیش از چهل درصد بوده‌است، بنابراین مهاجران خارجی دارای جمعیتی جوان بوده‌اند. بر این اساس بیش از نیمی از استانهای کشور (۱۶ استان) جمعیت مهاجر جوان داشته‌اند که از میان آنها، استانهای سیستان و بلوچستان و گلستان به ترتیب با ۵۲ و ۵۰ درصد جمعیت زیر ۱۵ ساله دارای جوانترین جمعیت مهاجر بوده‌اند. به جرأت می‌توان گفت که اکثر مهاجرانی که زیر ۲۰ سال هستند در ایران متولد شده‌اند و شاید تعداد زیادی از آنها هرگز موطن پدری خویش را ندیده باشند و با فرهنگ و رسوم وطن اصلی خود آشنایی کامل را نداشته باشند که این مسئله ممکن است بازگشت آنان را به کشور خود به تأخیر اندازد و آنها را با تردید مواجه نماید.

سازمان ملل، جمعیت افغانستان را به تفکیک گروههای سنی پنج ساله برای سال ۲۰۰۰ پیش‌بینی کرده است که گروه سنی ۴-۰ ساله با حدود ۱۹/۲ درصد بیشترین و گروه سنی ۵۹-۵۵ با حدود ۲/۶ درصد کمترین جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند. توزیع جمعیت کشور افغانستان بر حسب گروههای سنی بزرگ عبارتست از: ۴۲/۷ درصد در گروه سنی ۱۴-۰ ساله، ۵۱/۴ درصد

در گروه سنی ۵۹-۱۵ ساله و ۴/۹ درصد در گروه سنی بالای ۶۰ سال * (U.N, 1988
 .V.2,p.141)

اگر مهاجران خارجی را بدلیل اکثریت مطلق مهاجران افغانی، بعنوان مهاجران افغانی در نظر بگیریم، می‌توان بیان نمود که در سال ۲۰۰۰ جمعیت کشور افغانستان از جمعیت مهاجر خود در کشور ایران، کمی جوانتر بوده ولی بهر حال ترکیب سنی مهاجران افغانی از ترکیب سنی کشورشان تبعیت می‌نماید و نشان دهنده این است که کشور افغانستان جزء جوانترین کشورهای جهان می‌باشد.

بر اساس اطلاعات سازمان ملل، جمعیت واقع در گروههای سنی پنجساله کشورهای افغانستان (سال ۲۰۰۰) در جدول (۵) آمده‌است.

* در نشریه سازمان ملل ترکیب جمعیتی در گروههای سنی کشور افغانستان بصورت خام می‌باشد که آنها را به توزیع نسبی تبدیل نموده و از آن استفاده شده است، همچنین چون آخرین گروه سنی جمعیت مهاجران خارجی طبق اطلاعات بدست آمده گروه سنی بالای ۶۰ سال است، آخرین گروه سنی جمعیت کشور افغانستان نیز بر همین مبنا در نظر گرفته شده است.

جدول ۵ - توزیع جمعیت افغانستان بر حسب گروههای سنی پنجساله به تفکیک جنس (سال ۲۰۰۰)

گروههای سنی	کل		مرد		زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۰-۴	۲۳۵۶۰۰۰	۱۹/۱۷	۲۲۳۵۰۰۰	۱۹/۱۷	۲۱۲۱۰۰۰	۱۹/۱۷
۵-۹	۲۱۵۴۰۰۰	۱۳/۸۸	۱۶۲۱۰۰۰	۱۳/۹۰	۱۵۳۴۰۰۰	۱۳/۸۷
۱۰-۱۴	۲۴۲۷۰۰۰	۱۰/۶۸	۱۲۴۷۰۰۰	۱۰/۷۰	۱۱۸۰۰۰۰	۱۰/۶۷
۱۵-۱۹	۲۰۴۶۰۰۰	۹/۰۱	۱۰۵۶۰۰۰	۹/۰۶	۹۹۰۰۰۰	۸/۹۵
۲۰-۲۴	۱۸۴۷۰۰۰	۸/۱۳	۹۵۰۰۰۰	۸/۱۵	۸۹۷۰۰۰	۸/۱۱
۲۵-۲۹	۱۸۸۲۰۰۰	۸/۲۸	۹۶۴۰۰۰	۸/۲۷	۹۱۸۰۰۰	۸/۳۰
۳۰-۳۴	۱۶۲۲۰۰۰	۷/۱۴	۸۳۴۰۰۰	۷/۱۵	۷۸۸۰۰۰	۷/۱۲
۳۵-۳۹	۱۲۴۹۰۰۰	۵/۵۰	۶۴۵۰۰۰	۵/۵۲	۶۰۳۰۰۰	۵/۴۵
۴۰-۴۴	۹۵۴۰۰۰	۴/۲۰	۴۹۳۰۰۰	۴/۲۲	۴۶۱۰۰۰	۴/۱۷
۴۵-۴۹	۷۲۷۰۰۰	۳/۲۰	۳۷۴۰۰۰	۳/۲۱	۳۵۳۰۰۰	۳/۱۹
۵۰-۵۴	۷۵۳۰۰۰	۳/۳۱	۳۸۹۰۰۰	۳/۳۴	۳۶۴۰۰۰	۳/۲۹
۵۵-۵۹	۵۹۵۰۰۰	۲/۶۲	۳۰۵۰۰۰	۲/۶۲	۲۹۰۰۰۰	۲/۶۲
۶۰-۶۴	۲۴۹۰۰۰	۱/۹۸	۲۲۶۰۰۰	۱/۹۴	۲۲۴۰۰۰	۲/۰۲
+۶۵	۶۵۹۰۰۰	۲/۹۰	۳۱۹۰۰۰	۲/۷۴	۳۴۰۰۰۰	۲/۰۷
جمع	۲۲۷۲۰۰۰۰	۱۰۰	۱۱۶۵۸۰۰۰	۱۰۰	۱۱۰۶۲۰۰۰	۱۰۰

منبع: (U.N, 1998, v. 2, P. 141)

نسبت جنسی مهاجران خارجی

آمارهای اخذ شده نشان میدهد که نسبت جنسی مهاجران خارجی در ایران حدود ۱۵۷ بوده است که با نسبتهای جنسی متعارف تفاوت دارد و علت آن هم، تفاوت در مهاجرت بین دو جنس می‌باشد، که مهاجرت مردان را بیشتر ممکن ساخته است یعنی مهاجرت خارجیان به ایران به نفع جنس مرد بوده است که این یکی از ویژگیهای مهاجرت می‌باشد.

نسبت جنسی مهاجران خارجی در استانهای گیلان (۲۶۲) و بوشهر (۲۶۱) بیشترین و استانهای کردستان (۱۰۲) و اردبیل (۱۱۴) کمترین مقدار را نشان می‌دهند. معمولاً نسبت جنسی در استانهایی که مهاجران خارجی بیشترین تعداد را داشته‌اند کمتر و منطقی‌تر بوده و نشان از آن دارد که مهاجران در آن استانها با خانواده‌های خود ساکن شده‌اند ولی استان‌هایی که مهاجران خارجی کمترین تعداد را داشته‌اند نسبت جنسی بیشترین مقدار را داشته است و گویای این مطلب است که در این استانها، مهاجران خارجی بیشتر مردان بوده‌اند و مهاجرت به نفع جنس مرد بوده است.

طبق گزارش سازمان ملل، نسبت جنسی کشور افغانستان در سال ۲۰۰۰، برابر ۱۰۵ و کشور ایران برابر ۱۰۳ پیش‌بینی شده است (U.N, 1988, p. 73, 232).

توزیع نسبی خانوارهای مهاجران خارجی برحسب ابعاد آن

آمار نشان میدهد که، خانوارهای یک نفره با ۵۴ درصد بیشترین درصد را بخود اختصاص داده‌اند که علت آن مهاجرت بیشتر مردان می‌باشد و پس از آن به ترتیب خانوارهای دو نفره با ۷/۹۵ و سه نفره با ۷/۵۲ و ... و سرانجام خانوارهای بیش از ده نفره با ۰/۴۹ درصد کمترین مقدار را نشان می‌دهد.

این روند در اکثر استانها نیز مشاهده می‌شود و خانوارهای یک نفره بیشترین درصد را بخود اختصاص داده‌اند. معمولاً در استانهایی که تعداد مهاجران خارجی کمترین باشد، بالعکس درصد مردان و نسبت جنسی بیشتر می‌باشد که این امر باعث می‌شود خانوارهای یکنفره سهم بیشتری را بخود اختصاص دهند، این مسئله بخوبی در استانهای گیلان و اردبیل مشاهده شده است.

در سال ۱۳۷۵ در ایران، خانوارهای سه و چهارنفره با ۱۸/۴۰ و ۱۵/۹۶ درصد بیشترین سهم را بخود اختصاص داده بودند.

بعد خانوار مهاجران خارجی

بر اساس آمار بدست آمده از طرح شناسایی سال ۱۳۸۰، بعد خانوار مهاجران خارجی در ایران برابر ۲/۸ نفر بوده است که رقم کمی را نشان می‌دهد و علت آن همانطور که در نسبت جنسی گفته شد، بخاطر تفاوت در ترکیب جنسی مهاجران می‌باشد که اکثراً مردان هستند و چون خانوارهای یک نفره درصد بیشتری را بخود اختصاص می‌دهند، این امر باعث کاهش بعد خانوار مهاجران خارجی می‌شود. با مقایسه بعد خانوار با نسبت جنسی و توزیع نسبی خانوارهای مهاجران خارجی، خوبی می‌توان این مطلب را مشاهده نمود. یعنی استان هایی که بالاترین نسبت جنسی و بیشترین خانوارهای یک نفره را داشته‌اند همان استان هایی هستند که کمترین بعد خانوار (۲-۱ نفره) را دارا بوده‌اند.

در سال ۱۳۷۵، بعد خانوار در ایران برابر ۴/۸ نفر بوده است.

توزیع مهاجران خارجی بر حسب محل تولد

با توجه به اکثریت قریب به اتفاق مهاجران افغانی در ایران و بر اساس آمار بدست آمده، محل تولد اکثر مهاجران خارجی، کشور افغانستان می‌باشد که حدود ۷۱ درصد را بخود اختصاص داده است و اگر در نظر بگیریم که اکثریت مهاجرانی که در ایران متولد شده (حدود ۲۴ درصد) مهاجر افغانی باشند، بیش از ۹۰ درصد مهاجران خارجی، افغانی می‌باشند. همچنین کشور عراق، بعنوان محل تولد مهاجران خارجی فقط ۴ درصد را بخود اختصاص داده است و یک درصد مهاجران خارجی نیز محل تولدشان غیر از افغانستان و عراق می‌باشند.

منشا جغرافیایی مهاجران خارجی استانهای کشور مشابه و یکسان نیست، به عبارت دیگر در استانهای غربی کشور، یعنی استانهای کردستان با ۶۶/۷۴، کرمانشاه با ۵۸/۰۴، ایلام با ۶۶/۹۸، خوزستان با ۴۵/۲۹ و لرستان با ۴۱/۱۳ درصد، بیشترین مهاجر خارجی را عراقی ها تشکیل می‌دهند و در استان های شرقی و مرکزی کشور نیز بالطبع بیشترین مهاجران خارجی را مهاجران افغانی تشکیل داده‌اند، مانند استانهای کرمان، سمنان، سیستان و بلوچستان، خراسان، تهران، هرمزگان و یزد با بیش از ۹۵ درصد، بیشترین مهاجر افغانی را از مجموع مهاجران خارجی داشته اند.

مطلب دیگری که در این نقشه می‌توان مشاهده نمود، اینستکه اکثر مهاجرینی که محل تولد آنها ایران بوده‌است در استانهایی واقع شده اند که این مهاجران قدمت بیشتری را در آنجا

داشته اند به عبارت دیگر اولین استانهایی هستند که مهاجران خارجی به آنجا مهاجرت نموده اند به عنوان مثال در استان خراسان سابقه مهاجرت مهاجران افغانی به قبل از تجاوز شوروی به خاک افغانستان (سال ۱۹۷۹) میرسد.

توزیع نسبی مهاجران خارجی در بخشهای مختلف اقتصادی

در کشور افغانستان، قسمت اعظم نیروی کار، مشغول کشاورزی است. پس از کشاورزی، صنعت و معدن و سپس مشاغل خدماتی و غیرتولیدی بیشترین نیروی کار را به خود اختصاص داده است.

وضعیت اشتغال در مهاجرین، همواره از مسائل مهم و جنجال برانگیز برای جامعه میزبان بوده است. اثرات میزان اشتغال و بیکاری بر انحرافات اجتماعی و مسائل اقتصادی همواره مشاهده شده است. دلیل مهاجرت بسیاری از مهاجرین نه نابسامانیهای سیاسی-اجتماعی در افغانستان، بلکه انگیزه اقتصادی بوده است.

شرایط دشوار زندگی در کشوری بیگانه فرد را مجبور می کند که برای تامین معاش خانواده به هر کار سختی تن در دهد. مهاجران افغانی رانده شده از وطن، که به ایران پناه آورده اند، برای گذران زندگی به مشاغل و حرفه گوناگون روی آورده اند. اغلب این مشاغل غیر تخصصی اند و نیاز چندانی به دانش و تخصص بالا ندارند. اکثر مهاجرین از تخصص و سواد کافی برخوردار نبوده اند، لذا به مشاغلی پرداخته اند که دارای مزد کم و زحمت فراوان هستند و انجام آن برای هر فردی دشوار است.

بر اساس آمار بدست آمده، بیشترین مهاجران با حدود ۷۷ درصد در بخش خدمات مشغول به کار می باشند، بطوریکه مهاجران استانهای گیلان با ۹۶/۴۹، کرمانشاه با ۹۶/۳۵ و آذربایجان شرقی با ۹۶/۱۵ درصد، بیشترین و استان سیستان و بلوچستان با ۱۷/۳۷ درصد کمترین سهم را در این بخش داشته اند. این بخش مجموعه ای از مشاغل مانند: کارگران ساختمانی، کار در کوره های آجرپزی، کار در چاپخانه های قدیمی که با سرب زیاد سروکار دارند، چاه کنی و غیره را در بر می گیرد، که انجام کلیه این مشاغل با دشواری خاصی مواجه است. بخش کشاورزی با ۱۱/۶۰ درصد، در مرتبه دوم قرار دارد که استانهای سیستان و بلوچستان با ۷۶/۵۹، کردستان با ۴۶/۹۵ و گلستان با ۲۰/۵۴ درصد بیشترین و استان های کرمان، ایلام، خوزستان، هرمزگان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و بوشهر با

کمتر از یک درصد کمترین سهم را در این بخش مشغول داشته‌اند. این افراد غالباً کسانی بوده‌اند که قبل از مهاجرت، کشاورزی می‌کرده‌اند و بعد از مهاجرت چون قادر به کار دیگری نبوده‌اند به کشاورزی پرداخته‌اند. رشد و رونق ساختمان سازی در ایران موجب جذب تعداد کثیری از افراد بدون مهارت و تخصص شده است که ۱۱/۵۶ درصد از مهاجران شاغل، در بخش صنعت و ساختمان مشغول بکار بوده‌اند. در این بخش، استانهای هرمزگان، قزوین و همدان به ترتیب با ۲/۷۷، ۲۸/۵۴ و ۴۳/۳۷ درصد بیشترین و استان های گیلان، زنجان و آذربایجان شرقی به ترتیب با ۷۵/۰۰، ۸۰/۳ و ۱۵/۳ کمترین درصد شاغلین در بخش صنعت را داشته‌اند.

در سرشماری سال ۱۳۷۵، توزیع جمعیت شاغل ایران در بخشهای فوق عبارت بودند از: کشاورزی ۴۰/۲۳ درصد، صنعت ۷۰/۳۰ درصد و خدمات ۵۰/۴۴ درصد. مقایسه جمعیت شاغل ایرانیان با جمعیت مهاجر، در بخشهای سه گانه بخوبی نشان می‌دهد که به دلیل کمبود بیش از حد نیروی ماهر و متخصص نزد مهاجران، که اکثراً مهاجران افغانی میباشند تفاوت‌های عمده‌ای بین آنها در این سه بخش مشاهده می‌شود.

وضعیت مسکن مهاجران خارجی

مهاجران خارجی طبق قانون نمی‌توانند ملکی را رسماً به تملک خویش درآورند، به همین خاطر آنها به اشکال دیگر از املاک و مستغلات استفاده می‌نمایند.

طبق آمار اخذ شده، اکثر قریب به اتفاق مهاجران خارجی، از ساختمان و املاک مسکونی بصورت اجاره‌ای استفاده می‌نمایند، یعنی ۹۳ درصد مهاجران خارجی مسکن اجاره‌ای دارند. شکلهای دیگر در اختیار گرفتن مسکن، عبارتست از: شخصی در مالکیت غیر* ۵۷/۲ درصد و شخصی قولنامه‌ای ۶۲/۲ درصد، که ۷۱/۱ درصد نیز به اشکال دیگر از مسکن استفاده می‌نمایند.

مهاجران خارجی در استانهای کهگیلویه و بویراحمد با ۱۴/۹۹، قزوین با ۷۰/۹۸ و یزد با ۳۷/۹۸ درصد بیشترین مسکن اجاره‌ای را در اختیار داشته‌اند، در حالیکه مهاجران خارجی استانهای لرستان با ۷۷/۵۸، اردبیل با ۱۶/۶۳ و کردستان با ۸۲/۶۵ درصد کمترین مسکن اجاره‌ای را در اختیار داشته‌اند.

* املایی که مهاجران افغانی شخصا خریده‌اند، ولی چون طبق قانون نمی‌توانند به تملک خویش در آورند، لذا بناچار، سند ملک را به نام یک ایرانی که البته مورد اعتماد وی می‌باشد به ثبت می‌رسانند.

معمولاً نوع مسکنی که مهاجران خارجی در اختیار دارند به نوعی با نحوه سکونت ایرانیان و تراکم آن منطقه نیز مرتبط است. به عبارت دیگر استانهایی که تراکم جمعیت در آنجا بیشتر است و خود ایرانیان مسکن اجاره‌ای بیشتری نیز در اختیار دارند، بالطبع اکثر مهاجران نیز مسکن اجاره‌ای بیشتری در اختیار دارند مانند استان های تهران و گیلان.

مهاجران سه استان اردبیل، کردستان و زنجان به ترتیب با ۱۹،۳۱،۲۶/۵ درصد، بیشترین درصد «مسکن شخصی در مالکیت غیر» را نسبت به سایر استانها دارا بوده اند که شاید علت آن وجود مهاجران عراقی بیشتر نسبت به سایر استانهاست که اعتماد بیشتر مهاجران عراقی را نسبت به ایرانیان نشان میدهد و این اعتماد دلایل متعددی می تواند داشته باشد از جمله سابقه سکونت طولانی تر عراقیها نسبت به افغانیها و همچنین پذیرش بیشتر مهاجران عراقی از سوی ساکنان بومی این استانها.

- ویژگیهای اجتماعی

میزان تحصیلات مهاجران خارجی

یکی از نتایج بسیار ارزشمندی که اقامت در ایران برای مهاجران خارجی بویژه مهاجران افغانی داشته است، استفاده از امکانات تحصیلی ایران می باشد که باعث ارتقاء سطح تحصیلات فرزندان آنها شده است و به گفته خود مهاجران افغانی حضور در ایران تأثیر بسزایی را در ارتقاء سطح تحصیلی فرزندان آنها داشته است.* اگر چه سطح آموزشها و تعالیم مذهبی در کشور افغانستان نسبتاً بالاست ولیکن آموزشهای کلاسیک و فنی پایین و توانایی خواندن و نوشتن محدود است. یکی از ریشه های اصلی بحرانهای جاری افغانستان نیز به دلیل پایین بودن سطح آموزشهاست.

با توجه به اقامت نسبتاً طولانی مهاجرین افغانی در ایران می توان اذعان داشت که اکثر آنهایی که دارای سواد و آموزش رسمی بوده اند، بعد از مهاجرت به ایران، به کسب تحصیل و سواد گرایش پیدا کرده اند.

اطلاعات جمع آوری شده در مورد سطح سواد مهاجران خارجی، نشان می دهد که ۵۱/۳۳ درصد بیسواد و ۱۸/۶۸ درصد نیز فقط خواندن و نوشتن می دانسته اند. یعنی ۷۰ درصد از مهاجران تحصیلات رسمی نداشته اند که اکثر این افراد را والدین مهاجران تشکیل می داده اند و

* طبق گفتگویی که نگارنده با یکی از مهاجران افغانی داشته است.

سطح تحصیلات ۳۰ درصد بقیه به ترتیب پایان ابتدایی ۱۶/۲۸، سیکل ۷/۵۲، دیپلم ۴/۴۰، تحصیلات عالی ۱/۲۵ و حوزوی و سایر تحصیلات ۰/۴۲ درصد بوده است. هر چه از سطح پایین تحصیلات به سطوح بالاتر می‌رویم از حجم جمعیت نیز کاسته می‌شود.

میزان تحصیلات فوق الذکر، از کل جمعیت بی‌سواد و باسواد محاسبه شده که اگر این میزانها از جمعیت باسواد گرفته می‌شد، درصدهای بیشتری را نشان می‌دادند که این امر، نشان دهنده تأثیر مثبت آموزش و تحصیل مدارس ایران بر سطح سواد و تحصیلات مهاجران خارجی و بویژه مهاجران افغانی می‌باشد.

میزان تحصیلات جمعیت باسواد کشور ایران در سطوح مختلف در سال ۱۳۷۵ عبارتست از: ابتدایی ۶۶/۶۸ درصد، راهنمایی ۲۶/۶۷ درصد، متوسطه و پیش‌دانشگاهی ۱۹/۵۹ درصد، دوره عالی ۵ درصد و حوزوی و سایر ۲/۰۶ درصد.

اگر میزان تحصیلات مهاجران خارجی را از جمعیت باسواد و تحصیل کرده در نظر بگیریم می‌توان با میزان تحصیلات ایرانیان مقایسه کرد، یعنی تحصیلات مهاجران خارجی در سطوح ابتدایی ۵۴/۶ درصد، سیکل ۲۵/۱ درصد، دیپلم ۱۴/۶۶، تحصیلات عالی ۴/۱۶ و حوزوی و سایر ۱/۴۲ درصد بوده است.*

درصد مهاجران خارجی با تحصیلات ابتدایی از ایرانیان بیشتر است ولی هر چه به سطوح بالاتر تحصیلی می‌رویم حجم تحصیلات مهاجران خارجی از ایرانیان کمتر می‌شود. بیشترین درصد مهاجران بی‌سواد در استانهای سیستان و بلوچستان با ۸۷/۱۷ هرمزگان با ۷۴/۴۷ و کرمان با ۷۴/۲۰ درصد و کمترین درصد بی‌سوادها در استانهای قم با ۲/۶۶ و اصفهان با ۴/۱۴ درصد بوده‌اند.

نوع مذهب مهاجران خارجی

دین ۹۸ درصد مردم افغانستان اسلام است. از این میان قریب به ۷۰ درصد اهل تسنن هستند که اکثراً بر مذهب حنفی می‌باشند و بیش از ۲۵ درصد نیز شیعه اثنی عشری می‌باشند. اکثریت شیعه‌ها را قوم هزاره تشکیل می‌دهند که در مناطق مرکزی افغانستان سکونت دارند و

* اگر تحصیل کرده‌ها را (ابتدایی، سیکل و بالاتر) که ۳۰ درصد کل جمعیت هستند بعنوان کل یعنی ۱۰۰ در نظر بگیریم، درصد تحصیلات سطوح مختلف تحصیلی را می‌توان بر مبنای ۱۰۰ بدست آورد.

مرکز آنان شهر تاریخی «بامیان» است. تشیع همچنین در بین قزلباشها، ترکمنها، تاجیکها و حتی پشتونها پیروانی دارد (علی‌آبادی، ۱۳۷۵ ص ۲۹).

ترکیب مذهبی مهاجران خارجی که اکثر آنان مهاجران افغانی می‌باشند نیز ناشی از ترکیب مذهبی در کشور افغانستان می‌باشد. طبق آمار موجود، در سال ۱۳۸۰ بیشترین مهاجر خارجی، پیرو دین اسلام و اهل تسنن بوده‌اند که ۵۲/۴۹ درصد را تشکیل می‌داده‌اند، که استانهای مرزی کشور یعنی آذربایجان غربی با ۹۹/۱۵، کردستان با ۹۱/۶۸ و سیستان و بلوچستان با ۹۰/۶۹ درصد بیشترین مهاجر خارجی سنی را داشته‌اند.

مهاجران شیعه نیز ۴۷/۳۸ درصد را بخود اختصاص داده‌اند که استانهای ایلام با ۹۹/۹،

قم با ۹۷/۴۲ و لرستان با ۹۱/۲۹ درصد بیشترین مهاجر شیعه را بخود اختصاص داده‌اند.

با توجه به سهم مهاجران شیعه و سنی در استانها، مشاهده می‌شود که مهاجران سنی مذهب بیشتر در استانهای اقامت دارند که اهل تسنن درصد بیشتری را نسبت به سایر استانها دارا می‌باشند، مانند استانهای کردستان و سیستان و بلوچستان که به ترتیب حدود ۹۲ و ۹۱ درصد از کل مهاجران این دو استان اهل تسنن هستند و مهاجران شیعه مذهب بیشتر در استانهای اقامت دارند که اکثریت جمعیت آنجا شیعه می‌باشند. در حقیقت مهاجران با توجه به نوع مذهب خود، استان محل اقامت خود را انتخاب نموده‌اند و جامعه میزبان را به لحاظ مذهبی، متناسب و همسوی با اعتقادات خود می‌پندارند.

درصد بسیار کمی از مهاجرین نیز دارای مذهب مسیحی می‌باشند که اکثراً از کشورهای

غیر از افغانستان و عراق می‌باشند.

مهاجران افغانی بر حسب قومیت

گروهی از محققان، افغانستان را موزه ای از نژادها و ملل گوناگون می‌دانند. در این کشور، مردمانی از نژادهای پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک، ترکمن، بلوچ، قرقیز، قزلباش، ایماق، نورستانی، کشمیری، هندو، سیک و..... سکونت دارند. مردم شناسان و آمارگیران بسیار کوشیده‌اند که گروههای قومی افغانستان را شمارش کنند، اما نتایج بسیار متفاوتی به دست آورده‌اند. بیشترین تلاش برای شناسایی گروههای قومی در افغانستان، توسط «اروین اریوال و همکارانش» به عمل آمده است. آنان نام ۵۵ قوم را در افغانستان فهرست کرده‌اند (سجادی، ۱۳۸۰ ص ۵۲).

مهاجران افغانی نیز همانند کشور خود از نظر قومی و نژادی متنوع می‌باشند. طبق آمار موجود، تاجیکها با ۲۰/۲۲ درصد بیشترین سهم را بخود اختصاص داده‌اند که استانهای گیلان با ۵۲/۷۴، فارس با ۴۵/۰۴ و بوشهر با ۴۱/۳۵ درصد بیشترین و استانهای آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، سمنان، قم، کردستان، کرمان، گلستان، لرستان، مازندران، هرمزگان و قزوین با کمتر از یک درصد کمترین قوم تاجیک را داشته‌اند.

پس از آن هزاره‌ها با ۱۸/۶۶ درصد در مرتبه دوم قرار دارند که استانهای همدان با ۶۹/۷۰، کردستان با ۶۶/۵۱ و چهارمحال و بختیاری با ۶۲/۹۹ درصد بیشترین و استانهای آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، خوزستان، سمنان، قم، کرمان، کرمانشاه، لرستان، مازندران، هرمزگان، یزد و قزوین با کمتر از یک درصد، کمترین قوم هزاره را بخود اختصاص داده بودند.

پس از این دو قوم، پشتوها با ۶/۶۳ درصد در مراتب بعدی قرار می‌گیرند و سایر اقوام نیز با ۵۰/۴۵ درصد، حدود نیمی از مهاجران را بخود اختصاص داده‌اند.

- اطلاعات تکمیلی

نحوه ورود مهاجران خارجی

مهاجران خارجی به انحاء مختلف وارد ایران شده‌اند. آمار اخذ شده، نشان می‌دهد که اکثر مهاجران، یعنی ۹۲،۱۲ درصد آنان بطور غیر قانونی از مرزهای کشور خودشان وارد ایران شده‌اند که استانهای مازندران با ۹۹/۱۹، گلستان با ۹۹/۰۷ و بوشهر با ۹۸/۸۲ درصد بیشترین مهاجر خارجی غیر قانونی را داشته‌اند، پس از آن مهاجرینی که از کشور خود رانده شده‌اند با ۲/۷۰ درصد در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند که استانهای سمنان با ۳۰/۹۵ و کرمانشاه با ۳۰/۵۰ درصد بیشترین مهاجر رانده شده را پذیرا بوده‌اند. مهاجرینی که دارای مجوز رسمی بوده و وارد ایران شده‌اند با ۰/۷۴ درصد کمترین درصد را بخود اختصاص داده‌اند که در جای خود قابل توجه است، زیرا ایران میزبان مهاجرینی است که اکثریت قابل توجه آنها بطور غیر قانونی و بدون مجوز رسمی وارد ایران شده‌اند که این مسئله مشکلات عدیده‌ای را برای ایران به وجود آورده‌است.

روند ماندگاری یا بازگشت مهاجران خارجی

سالهاست طرح بازگشت داوطلبانه و یا اجباری مهاجرین افغانی از طرف اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور مطرح می شود. ولی درصدد نظر خواهی از خود مهاجرین برنیامده بوده اند که آیا داوطلب بازگشت به کشور خود هستند یا خیر، و تحت چه شرایطی حاضر به بازگشت یا اقامت خود هستند.

مهاجران خارجی در ایران نظرات مختلفی را درباره ماندگاری و یا بازگشت خود داده اند. بر اساس آمار اخذ شده و با توجه به استانهایی که اطلاعات آنها در دست است،* ۴۷/۸ درصد از مهاجران کل کشور، تمایلی به بازگشت به کشورشان را نداشته اند که دلایل متعددی را می توان برای آن برشمرد، از جمله: خو گرفتن با محیط ایران، ادامه تحصیل در ایران، داشتن همسر ایرانی، عدم امکانات و موقعیت زندگی در آنجا و غیره، که مهاجران استانهای گلستان با ۸۶/۴۹ خوزستان با ۸۲/۵۴ و کرمان با ۸۲/۲۷ درصد بیشترین عدم تمایل را برای بازگشت به کشورشان داشته اند. در مرتبه دوم، ۲۹/۳۶ درصد از مهاجران کل کشور برای بازگشت به کشورشان اظهار تمایل نموده اند، گروهی از انسانها پس از ترک وطن و اقامت در جای دیگر، با گذشت ایام تمایل پیدا می کنند به زادگاه و وطن خویش بازگردند، زیرا به آن احساس تعلق بیشتری می کنند، که این تمایل توسط مهاجران استانهای مازندران با ۵۲/۳۶ و سمنان با ۳۷/۳۷ درصد بیشتر از سایر استانهاست. در مرتبه سوم، ۱۳/۴۸ درصد از مهاجران کل کشور تمایل خود را به بازگشت به کشورشان و یا کشوری ثالث اظهار داشته اند که این اظهار تمایل در استان کهگیلویه و بویراحمد با ۵۱/۱۴ درصد بیشتر از سایر استانها بوده است و سرانجام ۹/۳۷ درصد از مهاجران کل کشور تمایل خود را به رفتن به کشوری ثالث اظهار داشته اند که مهاجران استان آذربایجان غربی با ۴۵/۴۵ درصد بیش از سایر استانها این تمایل را از خود نشان داده اند.

به نظر می رسد استان هایی که سابقه مهاجرت خارجیان به آنجا بیشتر است بعلت عجزین شدن با بافت فرهنگی و اجتماعی مردم آن استانها و همچنین ایجاد پیوندهای خونی با آنها کمترین تمایل را به بازگشت از خود نشان داده اند و خود را جزئی از جمعیت آن منطقه می دانند که این

* فقط اطلاعات ۱۲ استان در دسترس بود.

مسئله بازگشت آنها را به کشورشان بسیار دشوار نموده و باعث ماندگاری تعداد دیگری از بستگان آنها نیز خواهد شد.

آخرین اطلاع از وضعیت مهاجران افغانی در ایران به گفته مدیر کل امور اتباع بیگانه و مهاجرین خارجی

«بازگشت مهاجران افغانی طی سالهای گذشته قطع نشده و تا امروز ادامه دارد، اما بعد از استقرار نظام فعلی و ایجاد ثبات و نظم، در فروردین ماه سال جاری (۱۳۸۱)، بازگشت شروع شده که از ثبات برخوردار است. بر اساس آخرین آمار، ۳۴۰ هزار مهاجر افغانی به کشورشان بازگشته‌اند و پیش بینی شده است که رقم بازگشتی‌ها تا پایان سال ۱۳۸۲ به حدود ۴۰۰ هزار نفر خواهد رسید. در حال حاضر حدود دو میلیون مهاجر افغانی وجود دارند (کل مهاجران افغانی دو میلیون و سیصد و سی هزار نفر بوده است)، که دارای کارت بوده و قانونی هستند. البته تعدادی مهاجر غیر قانونی نیز در ایران وجود دارند که در طرح شناسایی شرکت نکرده‌اند که حدود ۱۰ درصد مهاجران افغانی را تشکیل می‌دهند. ممکن است افرادی که به کشورشان بازگشته‌اند دوباره به ایران برگردند ولی بایستی ویزا و پاسپورت بگیرند، در غیر اینصورت بازگردانده خواهند شد.

طبق تعریف کنوانسیون ژنو: پناهنده کسی است که از ترس آزار یا شکنجه و مسائل سیاسی، کشور خود را ترک می‌کند، بنابراین مهاجران افغانی دیگر شرایط کنوانسیون ژنو را ندارند و بایستی هر چه سریعتر به کشور خود بازگردند.

از سال آینده، هر سال حدود ۵۰۰ هزار نفر بازگشت خواهند شد، حدود ۷۰۰ هزار افغانی در ایران متولد شده‌اند، حدود ۷۰۰ هزار نیروی کار افغانی در کشور وجود دارد، حدود ۲۰۰۰ مهاجر افغانی با تحصیلات لیسانس و بالاتر وجود دارد. از ۲۰ فروردین ۱۳۸۱ با شروع طرح بازگشت، روزانه ۲-۲/۵ هزار نفر داوطلب بازگشت بوده و حتی به روزی ۷ هزار نفر نیز می‌رسیده است و تا آخر سال آینده (سال ۱۳۸۲)، حداقل یک میلیون نفر به کشورشان باز خواهند گشت (مصاحبه با احمد حسینی مدیر کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور، برنامه گفتگوی خبر شبکه ۲، ۱۳۸۱/۸/۲۰۱۷).

وی همچنین عنوان کرد که تا پایان سال ۱۳۸۳ پرونده مهاجران افغانی در ایران بسته خواهد شد. وی اضافه کرد: از ابتداء سال آتی به افغانیهای ساکن ایران اجازه کار داده نمی‌شود.

و اگر هر افغانی را گشت ویژه نیروی انتظامی که به این منظور تشکیل می شود، دستگیر کند از ایران اخراج خواهد شد. در صورتیکه هر افغانی بتواند مجوز کار کسب کند، باید به اداره کار و امور اجتماعی مالیات بپردازد، همانگونه که در تمامی کشورهای جهان در ارتباط با نیروی کار خارجی مرسوم است (مصاحبه با احمد حسینی مدیر کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور، روزنامه خراسان، ۱۳۸۱/۱۱/۷، ص ۴).

نتیجه گیری

هدف اصلی این مقاله « بررسی ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانی در ایران » بوده است، تا بدین وسیله زمینه مناسب تری را برای برنامه ریزی مناسب و کارشناسانه ایجاد نماید. بر این اساس و برای دستیابی به این هدف، شاخص های مورد نظر ایجاد و به بررسی هر یک از آنها پرداخته شد.

بر اساس یافته های بدست آمده، مهاجران خارجی و بویژه مهاجران افغانی با ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت در ایران اقامت دارند، این مهاجران که بیش از ۹۰ درصد آنها را مهاجران افغانی تشکیل میدهند، در تمامی استانهای کشور پراکنده اند. بدلیل نبود قانونی مشخص و عدم کنترل مبادی ورودی، تعداد مهاجران افغانی در طول سالیان مختلف، متغیر بوده است.

اکثر مهاجران ساکن در ایران را مردان تشکیل می دهند و این مسئله باعث شده که نسبت جنسی بالا و بر عکس بعد خانوار پایین باشد. استان تهران به تنهایی حدود یک سوم از مهاجران خارجی را در خود جای داده است.

وضعیت اقتصادی مهاجران افغانی نسبت به مهاجران عراقی ضعیف تر بوده است که این مسئله با مشاهده در آمد و دارایی مهاجران ساکن در استانهای غربی که اکثر عراقی هستند و مهاجران ساکن در استانهای شرقی که اکثر افغانی هستند دیده می شود.

بدلیل پایین بودن سطح سواد و مهارت تحصیلی و تخصص پایین مهاجران خارجی، شغل اکثر آنها کارگری و مشاغل ساده می باشد و بدلیل دستمزد پایین، سخت کوشی و حضور منظم تر این کارگران نسبت به کارگران ایرانی، تعداد بسیار زیادی از فرصتهای شغلی در اختیار مهاجران خارجی می باشد، که با خروج و بازگشت این مهاجران به کشورشان خلاء قابل توجهی در این نوع مشاغل ایجاد خواهد شد.

مهاجران افغانی ساکن در ایران و پاکستان بر اساس نوع مذهبی که داشته اند، این دو کشور را انتخاب نموده اند. به عبارت دیگر اکثر مهاجران افغانی که مذهب سنی داشته اند کشور پاکستان و اکثر مهاجران افغانی که شیعه مذهب بوده اند، ایران را به عنوان محل اقامت خود انتخاب نموده اند که این مسئله در میان استانهای کشور نیز مشاهده می شود. یعنی استان هایی که اکثریت ساکنان آن ها سنی می باشند، مهاجران افغانی سنی نیز ترجیح داده اند که در آن

استان ها اقامت نمایند و همچنین مهاجرانی که شیعه مذهب بوده‌اند ترجیح داده‌اند در استان هایی اقامت نمایند که ساکنان آن شیعه مذهب هستند.

اکثریت قریب به اتفاق مهاجران خارجی بطور غیر قانونی وارد ایران شده‌اند و تقریباً فقط حدود یک درصد از آنها دارای مجوز رسمی بوده‌اند، که این مسئله در جای خود قابل توجه بوده و لازم است که دست اندرکاران و مسئولان امر توجه بیشتری به این مسئله نمایند.

حدود نیمی از مهاجران خارجی تمایلی به بازگشت به کشورشان را نداشته‌اند که این مسئله می تواند در روند طرح بازگشت بویژه مهاجران افغانی خلل وارد نماید.

بطور خلاصه می توان بیان نمود که مهاجران خارجی بدلیل پایین بودن سطح سواد و نداشتن تخصص مناسب و همچنین ورود غیر قانونی و بدون قاعده آنها و اشغال بسیاری از فرصت های شغلی، نمی توانند برای کشور مقصد یعنی ایران مفید باشند و ایران بدلیل مسائل بشردوستانه و مسلمان بودن، این مهمانان را پذیرفته و امید است که با ادامه طرح بازگشت، این مهمانان نیز به کشورشان بازگشته و زمینه ساز آبادانی کشورشان شوند.

با توجه به یافته های موجود و نتیجه گیری حاصله از آن، امید می رود که شناختی هر چند مختصر از « ویژگیهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانی در ایران » در اختیار مسئولان امر قرار گرفته باشد تا بدین وسیله برنامه ریزی مناسب و کارشناسانه انجام شده و برخورد معقولانه تری با این مهمانان شود.

توصیه ها و پیشنهادات

۱- به دلیل حضور چندین ساله مهاجران افغانی، خو گرفتن با محیط ایران، ازدواجهای آنان با زنان ایرانی، داشتن مشاغل و سرمایه در ایران و ادامه تحصیل، مطمئناً با پایان یافتن درگیریها و جنگهای داخلی و استقرار صلح و ثبات در افغانستان، تعداد زیادی از این مهاجران به کشور خود باز نخواهند گشت. در نتیجه آنها اقلیتی را در ایران تشکیل خواهند داد. لذا لازم است جهت مقابله با این وضعیت، سیاستها و تدابیر لازم توسط دولت اتخاذ گردد.

۲- با توجه به آمار بالای مهاجران خارجی در ایران، موضوعات مهمی پیرامون مهاجران وجود دارد که نیاز به تحقیقات و بررسیهای همه جانبه علمی دارد، زیرا تشخیص مسائل و مشکلات مهاجرین، کاری بسیار پیچیده و دقیق است. مهمترین این موضوعات عبارتند از: تاثیر حضور مهاجرین در ابعاد مختلف فرهنگها، ازدواج، اشتغال، آموزش، بهداشت، روابط متقابل، ناهنجاریها، جرائم، مسکن، علائق و سلیقه ها و غیره. لذا پیشنهاد می شود تحقیقات متفاوت در ابعاد مختلف انجام و نتایج آن با یکدیگر مقایسه شود.

۳- تردهای غیر قانونی، اشتغال غیر قانونی، اقامتهای غیر قانونی، ازدواجهای غیر قانونی رو به افزایش است. همچنین با توجه به اجرای طرحهای متعدد جهت اخراج مهاجران غیر قانونی و صرف هزینه های زیاد، نه تنها از حجم آنها کاسته نشده، بلکه جمعیت بعضی از شهرها، شهرکها، روستاها و غیره افزایش می یابد.

بطور کلی در نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص مسائل مختلف اتباع خارجی، قوانین لازم وجود دارد، ولی مشکل عمده در نحوه اجرای قوانین توسط مسئولان، اجراکنندگان، متعدد بودن مراکز تصمیم گیری و سیاست گذاری در این زمینه است. لذا پیشنهاد می شود گروهی کارشناسی مجرب تحت نظر مستقیم فقط یک مسئول تام الاختیار در وزارت کشور تشکیل و پس از کارشناسی دقیق علمی، سیاستهای لازم در خصوص اتباع خارجی اتخاذ و با قاطعیت اجراء گردد.

۴- با توجه به اینکه اکثر مهاجران شاغل در مشاغل طاقت فرسا و سخت مشغول بکار هستند و در این مشاغل کارگران ایرانی تمایل چندانی از خود نشان نمی دهند، اگر این مهاجران به کشور خود باز گردند، خلا بسیار زیادی در این بخش از اشتغال پیش خواهد آمد که می تواند باعث ایجاد مشکلاتی در زمینه تامین نیروی انسانی لازم شود. لذا توصیه می شود که مسئولان و مجریان امر، به این نکته توجه داشته باشند و در جهت پر کردن این خلا از همین حالا تدابیر لازم را بیندیشند. به امید آنکه همه آوارگان و بی خانمانها در سراسر کره خاکی از سرگردانی نجات یافته و به سرزمین آباء و اجدادی خود به سلامت بازگردند.